

یادداشت

آموزه‌های جنگ غزه



جلال خوش چهره

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

آرمان‌گرایی در سیاست خارجی متضمن داشتن سه ظرفیت کلیدی است: خواستن، توانستن و اراده لازم برای تحقق اهدافی که تجدیدنظرطلبی را در ساختار قدرت نظام بین‌الملل ممکن کند.

تجربه جنگ کنونی بار دیگر این واقعیت را به رخ کشید که در مواجهه با جامعه بین‌المللی، داشتن ایده‌های بزرگ و جذاب به جای خود و واقعیت‌های حاکم نیز جای خود را دارند. از این روست که تهران به درستی و در رویکردی واقع‌گرایانه، موضعی را در پیامد جنگ نامتوازن کنونی دنبال کرد که شاید تا پیش از این، اعلام آن نزد بسیاری از ایده‌آل‌گرایان تندخو، قابل پذیرش نبود. تهران در بزنگاه حادثه و در رویکردی واقع‌گرایانه تشخیص داد که مصلحت کدام است: به جای انتخاب واکنش دفعی، لازم است از بروز چه وضعی پرهیز کند. تهران به درستی دریافت که اگر ابتکار اقدام هر چند مقدس نزد تصمیم‌سازان مانند دفاع فیزیکی از مظلومیت مردم غزه _ در اختیار ایده‌آل‌گرایان تندخو قرار گیرد، نتایجی گران‌را به دنبال خواهد آورد. از همین‌رو یکی از مهم‌ترین آموزه‌های جنگ غزه، در دستور کار قرار گرفتن واقعیت‌های جاری به جای ترجیحات ذهنی پرورش یافته در گرایش‌های انتزاعی در سیاست خارجی بوده است. مشکل بزرگ ایده‌آل‌گرایان انتزاعی‌اندیش در روابط خارجی این است که در کنشگری‌های خود هرگز اهل شمردن هزینه‌های آن نبوده و نیستند. جالب‌تر اینکه هر کس و هر جریان فکری نیز که اهل چنین برآوردی بوده، مورد سخت‌ترین اتهام‌ها و شماتت‌ها قرار گرفته است. این وضع اگرچه هنوز ادامه دارد، اما خوشبختانه در اوضاع حاضر و در مواجهه با فرایند جنگ کنونی در غزه، به گونه‌ای مهارپذیر نشان داده شده است. البته نباید از نظر دور داشت که برخی از تندخویان و نسخه‌نویسان افراطی برای سیاست خارجی در بزنگاه‌ها، شخصیتی از خود بروز داده‌اند که شبیه کسی است که نه می‌ایستد، نه می‌جنگد و نه تسلیم می‌شود. بااین حال همچنان بر خصومت متغفلانه ادامه می‌دهد. تجربه جنگ غزه و آنچه ممکن است پس از این برای خاورمیانه رقم بخورد، این آموزه را با خود دارد که سیاست، هنر متناسب کردن آرزوها با واقعیت‌هایی است که به‌رغم میل آرمانخواهان، نمی‌توان از آن چشم پوشید. در سیاست خارجی نمی‌توان بی‌محایا قمار کرد؛ زیرا روی دیگر قمار، باخت است. بنابراین ایده‌آل‌ها را باید با امکانات در اختیار، سنجید. در این صورت است که سیاست خارجی هدف

معلوم و قابل دسترس می‌شود. بی‌هدفی در سیاست خارجی توأم با احساس‌گرایی و ناتوانی در تعریف اهداف است. تهران در هنگامه‌ای که بسیاری از دشمنان بزرگی ایران فرصت را برای زدن ضربه به آن غنیمت شمرده‌اند، به‌درستی دریافته که میان «سرمایه‌گذاری» و «شرط بندی» در سیاست خارجی تفاوت بسیار است. بنابراین کوشش برای «مشارکت در مدیریت حل بحران» را در دستور کار قرار داده است. تجربه جنگ غزه اگرچه تلخ و ناگوار اما یک آموزه ارزشمند را با خود داشته است؛ اینکه به قول کیسینجر، آنان که مدام از پایان دیپلماسی و رو آوردن به افراطی‌گری دم می‌زنند، ماجراجویانی هستند که منافع خود را در آشفته‌بازار طلب می‌کنند. تهران در درستی مرز خود را با جنگ غزه، میان «خواخواهی اخلاقی _ارزشی» با «دخال‌ت مستقیم» در آن، بر جسته کرده است.

خبر

مهدی پازوکی:

دولت، استراتژی توسعه‌ندارد

یک کارشناس مسائل اقتصادی با تاکید بر این نکته که برنامه هفتم با ضعف‌های ساختاری مواجه است، حوزه انتقاد خود را متوجه استراتژی‌های دولت سیزدهم کرد و گفت: اگر این برنامه شبیه برنامه توسعه‌ای نیست به این دلیل است که توسط دولتی فاقد استراتژی توسعه تدوین شده است. مهدی پازوکی اظهار کرد: آقای رئیسی در تبلیغات انتخاباتی می‌گفت هفت هزار صفحه برنامه دارد، اما ما هفت صفحه برنامه از او ندیدیم. این دولت تمام تلاش خود را کرده تا بگوید هر آنچه از دولت پیشین مانده بد است، خوب اگر این طور است چرا اینقدر دیر برنامه هفتم را تدوین کردید؟ چرا بودجه از ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ را بر اساس برنامۀ ششمی دادید که دولت پیشین تدوین کرده بود؟ وی ادامه داد: همه این موارد نشان می‌دهد که این دولت استراتژی ندارد چرا که اگر به خواسته‌هایش آگاه بود، در شرایطی که همه از کان کشور با او هماهنگ هستند، کار خود را پیش می‌برد و کشور را آماده توسعه می‌کرد، اما متأسفانه سبکبالی دال بر اینکه ما در مسیر توسعه قرار داریم، به جامعه و نخبگان مخابره نمی‌شود. پازوکی بیان کرد: برنامه هفتم درگیر روزمرگی‌هاست، به جای آنکه مسیر توسعه و سیاست‌های توسعه‌ای روشن شود، مسیر دخالت دولت در زندگی مردم مشخص شده است. پازوکی افزود: یکی از ویژگی‌های یک برنامه توسعه‌ای این است که باعث ایجاد عزم ملی برای حل بحران شود. ما بر چالش‌هایی که با ابر بحران تبدیل شده‌اند روبه‌رو هستیم. مساله آب، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست، تورم و... هر کدام بحران‌های بزرگی هستند، در این برنامه کدام بحران‌ها است حل شود؟ پاسخ من این است که هیچ کدام چون جهت‌گیری و اولویت اصلا روشن نیست. این کارشناس مسائل اقتصادی اذعان کرد: ماهیت دولت‌ها را باید از اهدافشان شناخت، دولت توسعه‌گرا کاری به زندگی مردم ندارد. یک دولت توسعه‌گرا به جای دخالت در سبک زندگی مردم، اهداف و استراتژی مالی و پولی و سیاست خارجی و فرهنگی و... را تدوین می‌کند تا بر اساس آن سبک زندگی مطلوب در جامعه را شکل دهد نه اینکه وظایف خود در این حوزه را فراموش کند و بعد بگوید مردم چنین کنند و چنان کنند. او تأکید کرد: با تفکر سنتی نمی‌توان جامعه را صنعتی کرد. هر قدر ابزارها مدرن باشد، تا وقتی تفکر مدرن نشود، این بازارها در خدمت تفکر سنتی قرار می‌گیرد و امکان حرکت را از جامعه سلب می‌کند.

عباس خامه‌یار در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

استراتژی ابهام

اگر آمریکا از اسرائیل حمایت

نمی‌کرد رژیم اسرائیل از هم

فروپاشیده بود

فزایش کشته‌شدگان

اختلافات بین سران اسرائیل

را تشدید کرده است

آرمان ملی – احسان انصاری: حماس آمار تلفات نیروهای خود را اعلام نکرده است و می‌گوید تاکنون بیش از ۱۱ هزار فلسطینی در باریکه غزه شهید شده‌اند از جمله بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ کودک. یوآ گالات، وزیر دفاع اسرائیل گفت که جنگ با حماس شامل سه مرحله اصلی است که در هفت اکتبر با حمله حماس آغاز شد. گالات در تشریح این سه مرحله گفت: «مرحله اول شکست حماس و حمله به زیر ساخت‌ها بود. در مرحله دوم جنگ ادامه پیدا می‌کند، اما شدت نبردها کمتر می‌شود و نیروها برای از بین بردن مقاومت‌ها تلاش می‌کنند.» وی افزود که آخرین مرحله درگیری ایجاد یک سیستم امنیتی جدید در نوار غزه، سلب مسئولیت اسرائیل از زندگی روزمره در نوار غزه و ایجاد یک امکان امنیتی جدید برای شهروندان اسرائیل خواهد بود. وی تأکید کرد که اهداف در واقع شامل از بین بردن گروه حماس از طریق از بین بردن توانایی‌های نظامی و دولتی آن و از بین بردن کامل هرگونه مسئولیت اسرائیل در قبال غزه است. این در حالی است که در روز اول جنگ غزه که با حمله حماس در ۷ اکتبر آغاز شد، ۱۲۰۰ نفر در اسرائیل کشته و بیش از ۲۰۰ نفر اسیر شدند. در یورش زمینی ارتش اسرائیل به غزه هم تاکنون ۴۶ سرباز اسرائیلی کشته شده‌اند. «آرمان ملی» برای تحلیل آخرین تحولات جنگ در غزه با عباس خامه‌یار، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

چرا جنگ در غزه خیلی زود به نسل‌کشی تبدیل شد؟ چه ریشه‌های تاریخی برای شکل‌گیری چنین جنایت‌هایی توسط اسرائیل وجود دارد؟ از نظر تاریخی هر زمان حادثه‌ای علیه اسرائیل رخ می‌دهد آن را مبنا و بهانه قرار می‌دهند براساس آن دست به مظلومیت‌نمایی می‌زنند. در شرایط کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. امروز اسرائیل عنوان می‌کنم ما در خانه‌های خود نشسته بودیم که نیروهای حماس به ما حمله کردند و ما در واکنش به این حمله اقدام به حمله به فلسطین کردیم. این در حالی است که این مظلوم‌نمایی واقعی نیست. نکته دیگر اینکه جنایت، خشونت، توهین به مقدسات و آواره کردن مردم فلسطین که از سال ۱۹۱۷ آغاز شد و در سال ۱۹۴۸ اوج گرفت. با تمهیداتی که انگلیس در پیش گرفت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اعلام موجودیت کرد که پس از آن توسعه‌طلبی خود را در سرزمین‌های اشغالی ادامه داد. در سال ۱۹۶۷ اوج توسعه‌طلبی اسرائیل بود که توانست جولان، غزه، سینا و بخشی از قدس شرقی را در جنگ شش روزه از اردن و مصر و سوریه جدا کند. در سال ۱۹۷۸ اسرائیل جنوب لبنان را به عنوان یک کمربند امنیتی اشغال کرد. این وضعیت ادامه داشت و در سال ۱۹۸۲ اشغالگری اسرائیل به بیروت رسید که رئیس‌جمهوری را روی تانک برای مردم لبنان معرفی کردند و وی را به کاخ ریاست جمهوری فرستادند. شهرک‌های صهیونیست‌نشین در واقع نوعی اشغالگری است. نکته دیگر اینکه بیش از ۱۰۰ نامۀ سازمان ملل در حقانیت و حمایت از مردم فلسطین منتشر شده که از جمله آنها بازپس‌گیری کرانه غربی و جولان بوده که هیچ گاه عملی نشده این توسعه‌طلبی همچنان ادامه داشته است. در طول سال‌های گذشته شهرک‌های صهیونیست‌نشین در حال گسترش بوده که باعث رنجش بیشتر مردم فلسطین شده است. توهین به مقدسات، تخریب بیت المقدس و یهودی‌سازی اماکن مقدس مسلمانان و مسیحیان، اهانت، جلوگیری از نماز خواندن مسلمانان فلسطین در مسجد الاقصی و توهین‌ها در تاریخ اشغالگری‌هایی سابقه بوده است.

چرا جنگ در غزه خیلی زود به نسل‌کشی تبدیل

شد؟ چه ریشه‌های تاریخی برای شکل‌گیری چنین

جنایت‌هایی توسط اسرائیل وجود دارد؟

از نظر تاریخی هر زمان حادثه‌ای علیه اسرائیل رخ می‌دهد آن را مبنا و بهانه قرار می‌دهند براساس آن دست به مظلومیت‌نمایی می‌زنند. در شرایط کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. امروز اسرائیل عنوان می‌کنم ما در خانه‌های خود نشسته بودیم که نیروهای حماس به ما حمله کردند و ما در واکنش به این حمله اقدام به حمله به فلسطین کردیم. این در حالی است که این مظلوم‌نمایی واقعی نیست. نکته دیگر اینکه جنایت، خشونت، توهین به مقدسات و آواره کردن مردم فلسطین که از سال ۱۹۱۷ آغاز شد و در سال ۱۹۴۸ اوج گرفت. با تمهیداتی که انگلیس در پیش گرفت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اعلام موجودیت کرد که پس از آن توسعه‌طلبی خود را در سرزمین‌های اشغالی ادامه داد. در سال ۱۹۶۷ اوج توسعه‌طلبی اسرائیل بود که توانست جولان، غزه، سینا و بخشی از قدس شرقی را در جنگ شش روزه از اردن و مصر و سوریه جدا کند. در سال ۱۹۷۸ اسرائیل جنوب لبنان را به عنوان یک کمربند امنیتی اشغال کرد. این وضعیت ادامه داشت و در سال ۱۹۸۲ اشغالگری اسرائیل به بیروت رسید که رئیس‌جمهوری را روی تانک برای مردم لبنان معرفی کردند و وی را به کاخ ریاست جمهوری فرستادند. شهرک‌های صهیونیست‌نشین در واقع نوعی اشغالگری است. نکته دیگر اینکه بیش از ۱۰۰ نامۀ سازمان ملل در حقانیت و حمایت از مردم فلسطین منتشر شده که از جمله آنها بازپس‌گیری کرانه غربی و جولان بوده که هیچ گاه عملی نشده این توسعه‌طلبی همچنان ادامه داشته است. در طول سال‌های گذشته شهرک‌های صهیونیست‌نشین در حال گسترش بوده که باعث رنجش بیشتر مردم فلسطین شده است. توهین به مقدسات، تخریب بیت المقدس و یهودی‌سازی اماکن مقدس مسلمانان و مسیحیان، اهانت، جلوگیری از نماز خواندن مسلمانان فلسطین در مسجد الاقصی و توهین‌ها در تاریخ اشغالگری‌هایی سابقه بوده است.

آیا حمله حماس به اسرائیل به دلیل همین

توهین‌ها و اهانت‌ها بوده است؟

نیروهای حماس مرگ عزتمندانه را به چنین زندگی ترجیح داده‌اند و به همین دلیل اقدام به حمله نظامی به اسرائیل کردند. مردم غزه در سرزمین خود از زمین و دریا و آسمان و بادبوارهای حائل در محاصره و زندان قرار داشتند. شرایط به شکلی بود که برای به دست آوردن آذوقه و دارو باید از تونل می‌زدند و به صورت قاچاقی آذوقه و داروی



نسل‌کشی در غزه

براساس یک قرائت

انحرافی از تورات است

از نظر تاریخی هر زمان حادثه‌ای

علیه اسرائیل رخ می‌دهد آن را مبنا

و بهانه قرار می‌دهند براساس آن

دست به مظلومیت‌نمایی می‌زنند.

در شرایط کنونی نیز این وضعیت

وجود دارد. امروز اسرائیل عنوان

می‌کنم مادر خانه‌های خود نشسته

بودیم که نیروهای حماس به ما

حمله کردند، کشتند و غارت کردند

و ما در واکنش به این حمله اقدام

به حمله به فلسطین کردیم. این در

حالی است که این مظلومیت‌نمایی

واقعی نیست

است که مردم کشورهای مختلف در نقاط مختلف جهان در راستای محکومیت جنایات اسرائیل در سرزمین غزه به خیابان‌ها آمده و جنایت‌های اسرائیل را محکوم می‌کنند. در روزهای اخیر نامه‌هایی از سوی سیاستون آمریکا به بایدن به دلیل حمایت از نتانیاهو نوشته شده و از این حمایت‌ها انتقاد شده است. همه این فشارها باعث می‌شود که حمایت آمریکا و کشورهای غربی از اسرائیل حتی به صورت موقت کاسته شود که این موضوع باعث می‌شود تبادل اسرا و آتش‌سبه موقت صورت بگیرد. اتفاقی که در نهایت می‌تواند به پایان جنگ منجر شود.

ارزیابی شما از رفتارشناسی حزب ا... در جنگ

اخیر غزه چه بود؟ حزب ا... در این زمینه چه استراتژی را دنبال می‌کرد؟

حزب ا... از روز اول وارد جنگ شده بود اما با یک نوع استراتژی ابهام و سکوت، موضوع را دنبال می‌کرد. این در حالی بود که در میدان جنگ وجود داشت و با یک شیب ملایم با یک سیر صعودی تا به امروز ادامه داشته است. سخنان سید حسن نصرا... نیز یک توضیح و گزارش از میدان بود که در غزه این حال همه مسیرها و از جمله مسیر جنگ را باز گذاشت. در واقع حزب ا... با یک قدرت نرم از ابزار سخت خود استفاده می‌کند. در شرایط کنونی نیمی از ارتش اسرائیل در مرزهای جنوبی لبنان زمین‌گیر هستند که این موضوع یک کمک بزرگ به جبهه جنگ به شمار می‌رود. تعداد و میزان شهدایی که حزب ا... در این جنگ داده نشان دهنده حضور موثر حزب ا... در این جنگ بوده است. واقعیت این است که ایجاد رژیم صهیونیستی برای این بوده است که خاکریز اول جهان غرب در خاورمیانه باشد. استعمار دنبال کاشتن این رژیم در منطقه بوده است. امروز همه به این نتیجه رسیدند که کوچ دادن یهودی‌ها به این سمت از دنیا برای این بود که دولت‌های غربی با اینها در کشور‌هایشان مشکل داشتند. رژیم صهیونیستی از همان ابتدا اهداف توسعه‌طلبانه داشته است و امروز شاهد اقدامات توسعه‌طلبانه‌اش هستیم. امروز شرایطی ایجاد شده که مجاهدان فلسطینی ناچارند از خود و سرزمین‌شان دفاع کنند و برای حفظ آن اقدام کنند. با وجود درخواست جهانی برای جلوگیری از ساخت شهرک‌ها به شکل جنون‌آمیزی ساخت این شهرک‌ها انجام شد. توهین و تخریبی که علیه مسجداالاقصی در این سال‌ها انجام شده است، روز به روز توهین به مقدسات ملت فلسطین بیشتر و بیشتر شده و هزاران کودک و زن و مرد و رهبران احزاب را زندانی کردند و به شکلی تحقیرآمیز با آنها رفتار می‌کنند. طوفان الاقصی نیز معلول واکنشی است به اشغال و کنترلی که دهه‌هاست ادامه دارد. بر خلاف ادعای اسرائیلی‌ها طوفان الاقصی آغاز کننده این حوادث و جنگ نبوده است بلکه این عملیات واکنشی به حملات و کشتار و اشغال سرزمین فلسطین است.

نگره

حسین کنعانی مقدم:

حذف رقبای اصول حکمرانی

در تضاد است

انتخابات و پیامدهای پروژه

«خالص‌سازی»

مدت زیادی تا تاریخ برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی نمانده است و در نتیجه هیات‌های اجرایی وزارت کشور، فهرستی از نمایندگان را که تأیید یا رد صلاحیت شده‌اند، منتشر کرده‌اند. تا کنون ۲۶ نماینده مجلس یازدهم از رد صلاحیت خود خبر داده‌اند. در کنار رد صلاحیت نمایندگان مجلس موضوع دیگری که موازی با این جریان مورد توجه قرار گرفته، تغییر تیم تولیدبرنامه «به‌افق فلسطین» است. برنامه‌به افق فلسطین با مجری گری المیراشریفی مقدم و سید حسین حسینی، از ابتدای جنگ در غزه از شبکه افق پخش می‌شد و به شدت مورد توجه واقع شد. اکنون به‌نظر می‌رسد این برنامه بر اساس تصمیم مسئولان شبکه، دستخوش تغییراتی شده است. واکنش‌ها به هر دو اتفاق، یک سمت و سو داشت؛ «جریان خالص‌ساز». جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در واکنش به رد صلاحیت‌های در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «هدف گزینش انقلابیون برای تشکیل مجلس انقلابی‌تر و خالص‌سازی را دیگر نمی‌توان با بازی پلیس خوب و بد پنهان کرد! رد صلاحیت‌های صورت گرفته توسط نهادهای حاکمیتی به نوعی محدود کردن، حق انتخاب مردم است. چاره کار فقط بازگشت به مردم و برگزاری انتخابات رقابتی است.» محمدجواد آذری جهرمی نیز به عنوان یکی از مهمان برنامه به‌افق فلسطین درباره تغییر تیم سازنده این برنامه نوشت: «به سهم خودم از آقایان احسان محمد حسنی، مهدی عرفاتی و محمدرضا شهیدی فرد در برنامه «به افق فلسطین» تشکر و قدرانی می‌کنم. نیت پاک و صادفانه، غیرت دینی و عزم راسخ برای حمایت از مردم فلسطین در تک تک اعضای این برنامه موج می‌زد. ظاهراً موج خالص‌سازی به ساحل خالص‌ترین شبکه صدواسیم‌ها هم رسید!» این شرایط پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند از جمله اینکه نیت‌ات این شرایط چه خواهد بود! آیا روندی که جریان خالص‌ساز در پیش گرفته است مطابق با مصلحت کشور و ملت است؟

حذف رقبای اصول حکمرانی در تضاد است

یک فعال سیاسی اصولگرا اظهار داشت: با نزدیکی شدن به اسفندماه و انتخابات مجلس شورای اسلامی، به‌نظر می‌رسد حوادثی در حال رخ دادن است که می‌تواند مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار دهد. اینکه ما بگوییم فقط هر که نظرات ما را می‌پذیرد، یا هر که به لحاظ دیگر از همفکر ماست، بماند و هر که از ما نیست برود، دقیقاً بر خلاف جهت روح انقلاب است. مقام معظم رهبری بارها بر «دفع حاذقانی و جذب حداکثری مشارکت مردمی» تأکید کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد یک انحراف در جریان‌ت تدریجی وجود دارد که فکر می‌کند با حذف رقیب، راحت‌تر حکمرانی خواهد کرد، در حالی که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، آن‌ها که دست به حذف سایرین می‌زنند، خود نیز نمی‌توانند حکمرانی خوبی باشند.» حسین کنعانی مقدم گفت: برآیند قضاوت مردم درباره دو جریانی که با یکدیگر رقابت می‌کنند، این است که رقابت برابر و عادلانه داشته باشند. نه اینکه یکی از میدان به‌رو کند و بعد مدعی شود که رقابت سالم یا عادلانه است. مردم آگاهند و به خوبی متوجه شرایط می‌شوند. پس از پیروزی انقلاب و پس از دهه‌ها برگزاری انتخابات در کشور، اجرای طرح خالص‌سازی عملاً بی‌اعتبار خواهد بود. خالص‌سازی می‌گوید: «همه ما، من، نه اینکه همه ما هم». این طرز تفکر نه تنها نیش به ریشه خود جریان خالص‌سازی می‌زند، بلکه سایر گروه‌ها را نیز قربانی می‌کند. دبیر کل حزب سبز بیان کرد: یکی از پایه‌های مردم‌سالاری که انقلاب بر آن مبتنی است، را می‌توان این موفقه دانست که قدرت بر پایه حمایت مردمی شکل می‌گیرد نه با پست و مقام و درجه، به همین دلیل هم افرادی که بدون حمایت مردمی به قدرت می‌رسند، به مرور زمان، با این پست مواجه می‌شوند. قاعده بر این است که اگر افرادی که سرنوشت یک ملت را رقم می‌زنند، فاقد حمایت مردمی باشند، از گردونه زندگی خارج می‌شوند یا خود را باید از این عرصه کنار بکشند. به‌همین دلیل هم تأکید دارم، افرادی که تصور می‌کنند، چون برخی پست‌ها را در دست دارند، می‌توانند افکار مردم را نیز مدیریت کنند و هر چه را که بخواهند به ذهن مردم تزریق کنند و هر چه را می‌خواهند به ذهن مردم تزریق کنند، باید مطالبات مردمی را مطرح کرده و پیگیری کنند. وی افزود: دو خط مشی سیاسی در کشور ما وجود دارد که همیشه در تقابل و تزامن با یکدیگر هستند. یکی از این خط‌مشی‌ها می‌گوید مردم حتماً در انتخابات شرکت کنند تا ما را ی‌بیاوریم، چون می‌دانند که پایگاه مردمی ندارند و خط‌مشی دیگری می‌گوید مردم شرکت کنند، اما به رقیب ما رای ندهند و فقط به ما رای بدهند. این تفکر، طرز تفکر غلطی است و در انتخابات مختلف بین شاهان این موضوع بودیم. این در حالی است که به‌اعتقاد من انتخابات اسفند ماه حکم «مرصاد سیاسی» را دارد. یعنی تمام دشمنان ما با تمام قوا تلاش خواهند کرد، مشارکت حتی در سطح اندک رخ ندهد؛ بنابراین کاهش نرخ مشارکت، ابزاری خواهد شد برای زیر سلول بردن مشروعیت نظام. اگر ما مایلیم که نظام جمهوری اسلامی را در کنار مردم سالاری و قانون اساسی حفظ کنیم، هیچ راهی نداریم. به جز اینکه مشارکت سیاسی را افزایش دهیم.